

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسمه تعالی
تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

آقای جمال رزم جو رساله ۱۸ واحدی خود را با عنوان: «تاثیر انگیزه‌های دینی مسیحیان بر جنبش بازپس‌گیری اندلس» در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۲۳ ارائه کردند. اعضای هیات داوران نسخه نهایی این رساله را از نظر فرم و محتوا تایید کرده است و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می‌کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنمای اصلی	دکتر فاطمه جان احمدی	دانشیار	
۲- استاد مشاور اول	دکتر صادق آئینه‌وند	استاد	
۳- استاد مشاور دوم	دکتر سید احمد رضا خضری	استاد	
۴- استاد ناظر	دکتر سید هاشم آقاجری	استادیار	
۵- استاد ناظر	دکتر مهدی گلجان	استادیار	
۶- استاد ناظر	دکتر عبدالله ناصری طاهری	استادیار	
۷- استاد ناظر	دکتر امیر محمد شیخ نوری	استاد	
۸- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی	دکتر مهدی گلجان	استادیار	

آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس:

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه / رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه / رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه / رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثر هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه / رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه / رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب جمال رزم‌جو دانشجوی رشته تاریخ اسلام ورودی سال تحصیل ۱۳۸۷ مقطع دکتری دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آئین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضا
تاریخ
جمال رزم‌جو
۹۲ / ۷ / ۱۷

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس:

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل رساله دکتری نگارنده در رشته **تاریخ اسلام** است که در تابستان سال **۱۳۹۲** در دانشکده **علوم انسانی** دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم **دکتر فاطمه جان احمدی** مشاوره جناب آقای دکتر **صادق آئینه‌وند** و مشاوره جناب آقای دکتر **سید احمد رضا خضری** از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه‌های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می‌تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

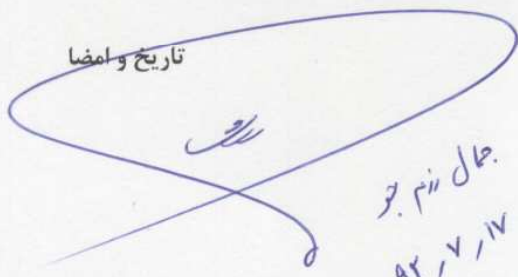
ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می‌تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می‌دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب **جمال رزم‌جو** دانشجوی رشته **تاریخ اسلام** مقطع **دکتری** تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی

جمال رزم‌جو

تاریخ و امضا



جمال رزم‌جو
۹۲/۷/۱۷



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

رساله دوره دکتری رشته تاریخ اسلام

عنوان:

تأثیر انگیزه‌های دینی مسیحیان بر جنبش بازپس‌گیری اندلس

دانشجو:

جمال رزم‌جو

استاد راهنما:

دکتر فاطمه جان‌احمدی

استادان مشاور:

دکتر صادق آئینه‌وند

دکتر سید احمد رضا خضری

شهریور ۱۳۹۲

تقدیم به:

پدر و مادرم
اولین آموزگاران زندگی ام

برادران و خواهرم
دلگرمی زندگی ام

خانواده همسرم
مشوق ام

و
همسر صبورم
همدل و همراه عمرم

تقدیر و تشکر

انجام هر پژوهشی بی‌شک مرهون هم‌یاری و تعامل مجموعه‌ای است که بدون هر یک از آنان کار بخوبی پایان نمی‌پذیرد. صرف نظر از کاستی‌های این رساله که به عهده نگارنده می‌باشد، نتایج آن حاصل تلاش و همکاری عزیزان زیر است:

استاد ارجمند سرکارخانم فاطمه جان‌احمدی مسئولیت راهنمایی این رساله را به عهده داشتند از راهنمایی‌ها و توصیه‌های ارزشمند ایشان و تلاش بی‌دریغ بخاطر فراهم آوردن امکانات مناسب اجرای این تحقیق، نهایت تشکر را دارم.

استادان گرامی جناب آقای دکتر صادق آئینه‌وند و دکتر سید احمدرضا خضری مشاوره رساله را به عهده داشتند. رهنمودها و هم‌فکری‌های ایشان راه‌گشای این تحقیق بوده است از ایشان صمیمانه سپاس‌گذارم. آموخته‌های خویش در طی دوره کارشناسی ارشد و دکتری را مدیون دیگر اساتیدم نیز هستم. لازم می‌دانم از آقایان دکتر سیدهاشم آقاجری، دکتر سیدمحمدحسین منظورالأجداد و دکتر هادی عالم‌زاده تقدیر و سپاس ویژه به عمل آورم.

همین‌جا جا دارد از آقای بهروز زمانی رئیس اداره پژوهش دانشکده علوم انسانی، آقای حسن حسنی کارشناس امور دانشجویان دکتری و خانم‌ها مریم محقق و فاطمه بهنودی کارشناسان اداره آموزش دانشکده علوم انسانی، بخاطر روحیه خدمت‌گذاری و تکریم ارباب رجوع قدردانی نمایم. در پایان شایسته است مراتب تشکر و قدردانی خود را از مهندس حامد صفایی، دکتر مهدی بازیار، سرکارخانم پریسا مهران، سرکار خانم مریم ثقفی، آقای محمد آکو، آقای احمد گودرزی و همه عزیزانی که در مراحل مختلف پژوهش در پیش‌برد کار یاری رساندند، ابراز نمایم.

چکیده:

جنبش بازپس‌گیری اصطلاحی است که در ذیل آن روند فتح قلمروهای اسلامی اندلس، بدست مسیحیان تشریح می‌گردد. دوره اصلی جنبش بازپس‌گیری از سقوط بریشتتر در سال ۴۵۶ق/۱۰۶۴م. آغاز شده و تا فتح اشبیلیه در سال ۶۴۶ق/۱۲۴۸م ادامه می‌یابد. در پژوهش حاضر ضمن توصیف ماهیت جنبش بازپس‌گیری اندلس از سوی مسیحیان، زمینه‌ها و عوامل دینی موثر بر این جنبش واکاوی شده است. فرضیه غالب عبارت است از اینکه با اصلاحات دیر کلونی و تصویرسازی مخدوش از دین اسلام از سوی مسیحیان متعصب، مولفه‌های دینی مسیحیت در اندلس تقویت شده و همین عامل موجب انسجام هرچه بیشتر آنان گردید و زمینه‌های غلبه آنان بر مسلمانان را فراهم آورد.

فرضیه مطرح شده با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع ارزیابی گردید و این نتیجه حاصل شد که گروهی از کشیشان مسیحی با ارائه تصویری شیطانی از دین اسلام در ذیل اصطلاح «ساراسن»، دشمنی عامه مسیحیان بر ضد مسلمانان را برانگیختند؛ همچنین با اصلاحات دیر کلونی، توسعه اقتدار دینی دستگاه پاپ، تأثیرپذیری از فضای جنگ‌های صلیبی و ظهور جمعیت‌های شوالیه‌های دینی در اندلس، جنبش بازپس‌گیری اندلس نیز رنگ جنگ مقدس به خود گرفت و بدین ترتیب مولفه‌های دینی، نقش بارزی در غلبه مسیحیان بر قلمروهای اسلامی اندلس ایفا کرد.

واژه‌های کلیدی: اسلام، مسیحیت، قرون وسطی، اندلس، جنبش بازپس‌گیری، ساراسن، دیر کلونی، شوالیه‌های دینی.

فهرست:

صفحه	۱- فصل اول: کلیات
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۱-۲- بیان مسأله
۸	۱-۳- سؤالات تحقیق
۸	۱-۴- فرضیه‌ها
۹	۱-۵- روش تحقیق
۱۰	۱-۶- مفاهیم و اصطلاحات کاربردی
۱۵	۱-۷- ادبیات تحقیق
۱۵	۱-۷-۱- پیشینه
۱۹	۱-۷-۲- منابع

۲- فصل دوم: اجمال تحولات تاریخی اندلس از فتح اسلامی تا سقوط:

۲۴	۲-۱- جغرافیای اندلس
۲۶	۲-۲- تاریخ سیاسی اندلس
۳۳	۲-۳- بافت قومی در اندلس
۳۵	۲-۴- شکل‌گیری امیرنشینهای مسیحی شمالی

۳- فصل سوم:

منازعات عمده مسیحیان و مسلمانان در اندلس پیش از آغاز جنبش بازپس‌گیری

- ۳-۱- درآمد ۳۹
- ۳-۲- واقعه حفره (خندق) ۴۰
- ۳-۳- حرکت شهادت‌طلبی مسیحیان در قرطبه ۴۱
- ۳-۴- قیام ابن حفصون ۵۰
- ۳-۵- نبردهای المنصور محمد بن ابی عامر ۵۳
- ۳-۶- مهاجرت مستعربان به امیرنشینهای مسیحی شمالی ۵۵

۴- فصل چهارم: زمینه‌ها و عوامل دینی موثر بر جنبش بازپس‌گیری اندلس (۱)

- ۴-۱- تصویر سازی نخبگان مسیحی افراطی از مسلمانان ۵۸
- ۴-۱-۱- درآمد ۵۸
- ۴-۱-۲- کاربرد اصطلاح ساراسن ۶۷
- ۴-۱-۲-۱- راهیابی اصطلاح ساراسن به متون مسیحی ۷۱
- ۴-۱-۲-۲- تحول معنایی اصطلاح ساراسن ۷۲
- ۴-۱-۲-۳- ردیابی اصطلاح ساراسن در ردیه های مسیحیان ۷۵
- ۴-۱-۲-۴- ردیابی اصطلاح ساراسن در ادبیات حماسی مسیحیان ۸۳
- ۴-۱-۳- اهمیت وعظ و تبشیر در قرون میانه ۸۵

۵- فصل پنجم: زمینه‌ها و عوامل دینی موثر بر جنبش بازپس‌گیری اندلس (۲)

- ۵-۱- درآمد ۸۹
- ۵-۲- اصلاحات دیر کلونی و تقویت مسیحیت در اروپای غربی ۸۹
- ۵-۳- پیدایش و رونق زیارتگاه قدیس یعقوب (شنت یاقب) در جلیقیه ۹۸
- ۵-۴- تقویت دستگاه پاپ و تشویق مسیحیان به جنگ مقدس ۱۰۱
- ۵-۵- تشکیل جمعیت‌های شوالیه‌های دینی در اندلس و رشد انگیزه‌های بازپس‌گیری ۱۰۶
- ۵-۵-۱- شوالیه‌های معبد ۱۰۶
- ۵-۵-۲- شوالیه‌های اسبتاریه ۱۰۸
- ۵-۵-۳- شکل‌گیری جماعات شوالیه در شبه جزیره ایبری ۱۱۰
- ۵-۵-۴- شکل‌گیری جماعات شوالیه بومی در اندلس ۱۱۵
- ۵-۵-۴-۱- جماعت شوالیه القنطرة ۱۱۶
- ۵-۵-۴-۲- جماعت شوالیه قدیس یعقوب (شنت یاقب) ۱۱۶
- ۵-۵-۴-۳- جماعت شوالیه قلعه رباح ۱۱۹
- ۵-۵-۴-۴- جماعت شوالیه یابرة ۱۲۰

۶- فصل ششم: بررسی جنبش بازپس‌گیری اندلس با تکیه بر مؤلفه‌های دینی

- ۶-۱- درآمد ۱۲۴

۱۲۷ جنبش بازپس‌گیری.....	۲-۶
۱۳۵ سقوط بریشتن.....	۱-۲-۶
۱۳۹ سقوط طلیطله.....	۲-۲-۶
۱۵۱ سقوط المریه.....	۳-۲-۶
۱۵۳ سقوط طرطوشه.....	۴-۲-۶
۱۶۱ سقوط شلب.....	۵-۲-۶
۱۶۵ نبرد آرک.....	۶-۲-۶
۱۶۹ نبرد عقاب:.....	۷-۲-۶
۱۷۷ سقوط شهر القصر:.....	۸-۲-۶
۱۸۵ سقوط جزائر بالثار:.....	۹-۲-۶
۱۸۹ سقوط قرطبه:.....	۱۰-۲-۶
۱۹۳ سقوط بلنسیه و شهرهای شرقی.....	۱۱-۲-۶
۱۹۸ سقوط اشبیلیه و توابع آن.....	۱۲-۲-۶
۲۰۷ نتیجه‌گیری.....	
۲۱۱ منابع و مطالعات:.....	

پیوست‌ها:

پیوست أ: صفحه

نقشه محدوده قلمرو مسلمانان در دوره امویان اندلس ۲۲۳

پیوست ب:

نقشه محدوده قلمرو مسلمانان در دوره موحدون ۲۲۴

پیوست ج:

نقشه محدوده قلمرو مسلمانان در دوره بنی نصر ۲۲۵

پیوست د:

نقشه سلسله حملات منصورأبی‌عامر ۲۲۶

پیوست ه:

نقشه جاده زیارتی شنت یاقب ۲۲۷

فصل اول:

کلیات

فتوحات اسلامی طی هفتاد سال سرزمین مغرب را در نوردید و مسلمانان در سال ۹۲ق با سپاهی مرکب از اعراب و بربر به شبه جزیره ایبریا (Iberia) قدم نهادند. پیروزی‌های مکرر بسرعت تمام شبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) را به زیر چمبره‌ی مسلمانان کشاند؛ و آنها را به سلسله جبال پیرنه سوق داد و هم‌جوار با سرزمین گل استقرار مسلمانان را تضمین نمود؛ و تا سال ۸۹۷ق این سیطره سیاسی تداوم یافت.

توفیق مسلمانان در اندلس و در انداختن تمدنی بالنده در این شبه جزیره درحالی بود که همسایگان اروپایی درگیر منازعات داخلی، مشکلات اقتصادی و تعصبات دینی و تفرقات سیاسی بودند. حاصل حضور مسلمانان در اندلس بر گرفته از تجربیات پیشینی در ایران، شام، یمن و مصر، بروز تمدنی درخشان بود که با ظهور اندیشمندان فرهیخته، رونق تکاپوهای علمی و نشر آنها، شهرسازی و در انداختن آثار معماری و رشد اقتصادی در جنوب غربی اروپا توأم بود. ساخت شهرهای زیبا و مستحکم و بازسازی کانون‌های آسیب دیده، رواج فرهنگ اسلامی، ترویج صنعت و کشاورزی و سرانجام توسعه دانش مسلمین در این سامان از نتایج حضور مسلمانان در اندلس بود.

با وجود عبور فاتحان مسلمانان از کوه‌های صعب العبور سواحل کانتابریا، برخی از مناطق شمال غربی شبه جزیره موسوم به جلیقیه علی رغم ترک موقت ساکنانش فتح نشده بود. حضور باقی مانده‌ی گوت‌ها و برخی بومیان ایبرایی آواره در این مناطق و ناآرامی آنان برای استقلال مجدد و مقاومت در برابر نفوذ مسلمانان توسط منابع تاریخی گزارش شده است. قدرت گرفتن تدریجی نیروهای مسیحی در شمال به پایه‌گذاری پادشاهی جدید آشتوریاس، ناوار، آراگون و قطلونیة انجامید. درگیری بین حکومت امویان اندلس و امیرنشین‌های مسیحی شمالی سالیان متمادی جریان داشت. به موازات فروپاشی خلافت امویان اندلس و تبدیل آن به حکومت‌های ملوک الطوائفی، قوای مسیحی در شمال قدرت بیشتری گرفتند و نفوذ خود را در همه سو گسترش دادند. برخی

مورخان اسپانیایی فعالیت‌ها و تحرکات بومیان و مسیحیان را برای حصول استقلال با اصطلاحی چون بازپس‌گیری (Reconquista) نامیده‌اند. در طی این سال‌ها تعاملاتی پرفراز و فرود میان مسلمانان و مسیحیان در اندلس در جریان بود. به منظور بررسی سیر تاریخی و مستند روابط مسلمانان و مسیحیان در اسپانیای اسلامی و بازکاوی مناسبات سیاسی ایشان و پاسخ به سوالات مطرح در این حوزه و بررسی فرایند سقوط دولت‌های اسلامی در اندلس رساله حاضر با شاکله‌ای از شش فصل به شرح ذیل ترتیب داده شد.

فصل نخست مطابق با طرح پژوهش به کلیات موضوع اختصاص دارد. اجمالی از تحولات تاریخی اندلس از فتح اسلامی تا سقوط آن، در فصل دوم ذکر گردیده است. در فصل سوم منازعات مسیحیان و مسلمانان در اندلس پیش از آغاز جنبش بازپس‌گیری تشریح شده است. در این فصل از جمله نشان داده شده است که حرکت شهادت‌طلبی مسیحیان افراطی در قرطبه تاثیر کوتاه مدت و دراز مدت زیادی در ایجاد شکاف بین دو جامعه مسیحی و مسلمان داشت و همچنین نبردهای سهمگین منصور آبی عامر در سرزمین‌های مسیحی نشین شمالی و برانگیختن حس خصومت در میان آنان از جمله مواردی است که به شکاف هرچه بیشتر آنان پیش از شکل‌گیری جنبش بازپس‌گیری دامن زده بود.

در فصول چهارم و پنجم عوامل و زمینه‌های دینی موثر بر جنبش بازپس‌گیری توضیح داده شده است. در این راستا ابتدا نشان داده شده است که نخبگان مسیحی افراطی، تصویر کاملاً مخدوشی از دین اسلام، ارائه کردند و بدین وسیله عامه هم‌کیشان خود را در سطحی گسترده متاثر ساختند؛ آنان همه سمبل‌های شر در الهیات مسیحی را به مسلمانان و بخصوص شخص نبی اعظم (ص) نسبت دادند و معانی منفی وسیعی را در اذهان پیروان خود جا انداختند تا از لحاظ ذهنی حس خصومت نسبت به مسلمانان را در بین پیروان تشدید کنند. همچنین نشان داده شده است که اصلاحات دیر کلونی موجب تقویت جایگاه مسیحیت در اروپای غربی، بویژه در شبه جزیره ایبریا گردید. گذشته از فعالیت‌های تبشیری راهبان کلونی از جمله پیامدهای فعالیت

گسترده وابستگان به دیر کلونی یکی تقویت نفوذ دستگاه پاپ و دیگری پیدایش زیارتگاه شنت یاقب در اندلس بود. از دیگر عوامل دینی که نقش پررنگی در بازپس‌گیری اندلس داشت ظهور جماعات شوالیه‌های دینی در اندلس بود که با تاثیرپذیری از فضای جنگ‌های صلیبی در اندلس نیز منشأ اثر شدند. در همین راستا جماعات شوالیه القنطره، قدیس یعقوب، قلعه رباح و یابره و دامنه فعالیت هر یک از آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

ماهیت جنبش بازپس‌گیری و عقب‌راندن مرحله به مرحله مسلمانان از سرزمین اندلس موضوع فصل ششم است. کوشش شده است تا به نقش مولفه‌های دینی در فرایند بازپس‌گیری بیشتر توجه شود. در این فصل نشان داده شده است که حضور پرشور مسیحیان همراه با انگیزه‌های دینی در فتح شهرها و مناطق مختلف اندلس کاملاً مشهود است. بازپس‌گیری تدریجی اندلس که از سقوط بریشت در سال ۴۵۶ق/۱۰۶۴م. آغاز شده و تا سقوط اشبیلیه در سال ۶۴۶ق/۱۲۴۸م. تداوم می‌یابد با جزئیات سقوط هر شهر یا منطقه در این فصل تشریح شده است.

۱-۲- بیان مسأله:

مسلمانان در ادامه فتوحاتشان، در اواخر سده اول هجری به شبه جزیره ایبریا (اندلس) راه یافتند. آشفتگی دستگاه سیاسی و ضعف مسیحیت زمینه را برای غلبه مسلمانان فراهم کرده بود. در واقع نیروهای حکومت گوتیک و نظام کلیسایی تحرک و پویایی کافی برای مقابله با مسلمانان را نداشتند. با ورود مسلمانان بسیاری از بومیان اندلس به اسلام گرویدند و آن‌دسته از مسیحیان نیز که به دین خود ماندند به گونه‌ای بارز از فرهنگ عربی-اسلامی متأثر شدند. در این میان عده‌ای از مسیحیان که عمدتاً از اشراف و طبقه حاکم بودند به مخالفت پرداختند، ولی از آنجا که پشتوانه اجتماعی‌شان ضعیف بود توان مقاومت در برابر مسلمانان را نداشتند؛ آنان با عقب‌نشینی به مناطق کوهستانی شمال اندلس، به حضور خود ادامه دادند.

مسلمانان در جریان فتح شبه جزیره ایبریا موفق نشدند تا تمامی مناطق آن را زیر سلطه درآورند. آنان بخش شمال غربی اندلس موسوم به «جَلِیقِیَّه» را بصورت نیمه مستقل و به عنوان خراج‌گذار واگذارند. علی‌رغم دلائل عدیده، مهم‌ترین دلیل بازماندن عرب‌های مسلمان از فتوحات شمال غربی، جغرافیای کوهستانی و هوای سرد این نواحی بود. به تدریج مناطق شمالی اندلس را امیرنشین‌های نیمه مستقل مسیحی تشکیل داد که هر یک هویت قومی و محلی متفاوت و عملکرد سیاسی خاص خود را داشت. در ادامه دولت‌های نیمه مستقل آستوریا^۱، قشتاله^۲ و لئون^۳، ناوار^۴ و آراگون^۵ در مناطق شمالی و شمال غربی شکل گرفت و در پی حضور مسلمانان در اندلس بسیاری از مسیحیان کاتولیک منطقه به این نواحی مهاجرت کردند. در عصر خلافت امویان اندلس (۱۳۸-۴۲۲ ه.ق / ۷۵۵-۱۰۳۱ م) مسلمانان حضور مقتدر و مسلطی در این سرزمین داشتند و امیرنشین‌های شمالی در بیشتر موارد مغلوب و خراج‌گذار مسلمانان بودند.

مسیحیان شمال تشکل منسجم و واحدی را تشکیل نمی‌دادند. هر گروه از آنان در دره‌ها و مناطق کوهستانی جدا از هم استقرار داشتند و هر یک علایق محلی و قومی جداگانه‌ای داشت. درگیری‌ها و مواجهه‌ی سیاسی آنان با خلافت اموی همواره توأم با هدف دستیابی به غنیمت و کسب استقلال بود. در واقع انگیزه اصلی آنان «جنگ مقدس» نبود. مسلمانان تا اواخر سده ۵/۱۱ برتری خود را حفظ کردند اما از آن پس موازنه قدرت به نفع مسیحیان تغییر کرد و آنان به لحاظ سیاسی و نظامی بر مسلمانان فائق آمدند و در فرایندی چند مرحله‌ای حکومت مسلمانان را از آنجا برچیدند.

از اواخر خلافت امویان اندلس و در دوره ملوک الطوائف که مسلمانان دچار ناهم‌سازگری شده بودند، تحولات مهمی در سیاست مسیحیان شمال ایجاد شد که به سبب آن جنبش بی‌سابقه‌ای در میان آنان به منظور

^۱. Asturias.

^۲. Castile.

^۳. Leon.

^۴. Navarre.

^۵. Aragon.

بازپس‌گیری اراضی اندلس با مشارکت مسیحیت اروپای غربی پدید آمد. در پی کمک‌های خارجی هر روز بر اعتبار و نیروی سیاسی آنان افزوده شد و به تدریج در امور شبه‌جزیره نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا کردند. این حرکت که نویسندگان غربی از آن به «جنبش بازپس‌گیری» یا «جنبش فتح مجدد»¹ یاد می‌کنند، چندین سده به درازا کشید تا اینکه منجر به استیلای مجدد مسیحیان بر آن سرزمین شد.

دوره طولانی مدت حضور مسلمانان در اندلس از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. از جمله موضوعاتی که ذیل تاریخ سیاسی مورد بحث بوده است علل سقوط اندلس و دلایل بازپس‌گیری آن است. هرچند مطالعات دامنه داری درباره علل سقوط، آن هم از منظر مسلمانان وجود دارد اما تحقیقات شایسته‌ای درباره چرایی، چگونگی و دلایل شکل‌گیری این جنبش وجود ندارد. آنچه در زمره این علل کمتر بدان پرداخته شده، نقش ایدئولوژی مسیحیت در بازپس‌گیری اندلس است. به نظر می‌رسد تقویت انگیزه‌های دینی از سوی کلیسا نقش مهمی در برانگیختن جامعه مسیحی (اعم از مسیحیان بومی اندلس و امیرنشین‌های مسیحی شمال و مسیحیان خارج از اندلس) بر ضد مسلمانان داشت. چنان‌که از مستندات تاریخی پیداست در وهله اول ارائه تصویری مخدوش و شیطانی از اسلام حس خصومت را در میان پیروان مسیحیت هرچه بیشتر تشدید کرد. از سوی دیگر با ورود مستقیم مبلغان مسیحی و دستگاه پاپ به تحولات اندلس و بهره‌گیری از مؤلفه‌های دینی در منازعات امیرنشین‌های شمالی با مسلمانان، روند بازپس‌گیری اندلس صورت جدی‌تری به خود گرفت. آنچه بر اهمیت این موضوع افزوده است آنکه «جنبش بازپس‌گیری اندلس» میراث فکری مهمی در جهت معرفی دین اسلام برای نسل‌های بعدی مسیحیت در اروپای غربی بر جای گذاشت که تا قرن‌ها مبنای شناخت غربیان درباره اسلام بوده است.

آنچه خواست پژوهش حاضر است واکاوی نقش زمینه‌ها و عوامل دینی مسیحیان در جنبش بازپس‌گیری اندلس است. هرچند می‌توان بررسی این موضوع را از زوایای مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و ... مقدور دانست لیکن

¹. Reconquest.

ناظر به محدودیت‌های پژوهش آکادمیک تنها از رهیافت مولفه‌های دینی مورد توجه و تدقیق واقع شده است. افزون بر این تلاش خواهد شد تا ارکان تبلیغات مبلغان مسیحی در این جنبش مورد واکاوی و بازخوانی قرار گیرد.